

تربیت جدید

تربیت جدید کدماست؟ دنیا انقلابی را زمینه سازی میکند و میرود که تغییرات عجیب و غریبی بوجود آورد، ازکی باین عمل شروع کرده؟ چه وقت آثار عملی آن بروز نموده؟ اکنون در چه مرحله از مراحل انقلابی خود قرار گرفته؟ سوالاتی است که در این مقدمه جواب آنها مورد ندارد و چیزی که در اینجا لازم به بیان است این است که این انقلاب استوار باصل و پایه است که در تعریف کامل و روشن خود «تربیت» نام دارد تربیت هم در حد خود مراحلی داشته و دستخوش انقلابات و عوارض و تجربیاتی گردیده و در هر وهله نسبت بما قبل خود «جدید» بوده و در وهله امروزی هم نسبت بما سبق «تربیت جدید» نامیده میشود، شاید فردا «تربیت جدید» منظور ما «تربیت قدیمه» گردد و یاباز بهمین اسم باقی ماند و یابیکی از تربیتهای مطبوع سابق بوصف «جدید» موصوف گردد، هر چه میخواهد بشود بما مربوط نیست و مقصود ما در این مقاله بیان عقائد و مطالعات بعضی از علماء «تربیت» و اظهار اصول تربیتی است که در «اتازونی» متبع است و صورت عملی دارد. تا اگر ما هم مایلیم از اصول مرزبور تبعیت نمائیم و از انقلاب دنیا همان اندازه که ما را بشناسند عقب نیفتیم اگر چنین است شایسته است

که اصول تربیت امروزی خود را که یادگار قرون متوسطه است تغییر دهیم و تربیت جدید را سر مشق قرار داده و پیروی نمائیم ، فائده تربیت جدید چیست ؟ یکی از بزرگان علماء علم تربیت مصر (عمروسی بك) در شماره اول سال ۳۵ الهلال ، سؤال ما را چنین جواب میدهد :

« فائده تربیت جدید این است که اخلاق « علمیه » فاضله در قلوب اطفال غرس شده و طفل را دوستدار عمل و کار نموده - و امیدارد که از ابتداء حیات طرق قدیمه و اسلوبهای حکمت آموز را پیرو باشد ؛ در اعمال مختلفه جز بجهد و کوشش خود بچیزی استوار نگردد ، قدمهای خود را در میادین حیاتی - از اول امر ثابت گذارده و حیات علمیه حقه را که عبارت از زراعت و تجارت و صناعات است پر محترم بشمرد . -
تعریف مختصر و جامع مزبور کفایتی است که معنی تربیت جدید را بما بفهماند .

با اینحال لازم است نگارشات دکتر فلسفه در دارالفنون « کولومبیا - نیویورک » یعنی مقاله استاد « خلیل ، طوطیح » را مورد مطالعه قرار دهیم اگر مقاله مزبور در قسمتهائی قابل انتقاد است انتقاد آنرا بعهده ارباب فن واگذار کرده و فقط ترجمه اش را (با افزایش پاره جملاتیکه موضوع را با ما مربوط سازد)

بمطالعه خوانندگان محترم میگذارم - استاد معزی الیه میگوید:

« شش سال از آمریکا دور بودم و در این مدت، آن اندازه تطورات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فکری در ولایات اتازونی - « متحده » پدید آمده که چون دوباره بآنجا برگشتم، امریکارا، امریکای دیگری یافتم - از آنجا که یک مقاله وافی باستیفاء تمام این مباحث نیست - این مقاله خود را از آنچه که در انقلاب « تربیت » و اصول تعلیم دیده ام منحصر میدارم - مقصود از تربیت - تربیتی است که امروز در اروپا بتربیت جدید، نامیده میشود. آنهائیکه در تطورات فکریه تتبع دارند میدانند که « تربیت جدید » تنها در عصر حاضر تظاهر نموده در تاریخ « تربیت جدید » مکرراً دیده میشود، مهمترین تربیتهای جدیده تربیتی است که « سوفسطائیان » در نیمه قرن پنجم (۵) قبل از میلاد بوجود آوردند - باید گفت: « مذهب « سفسطه » نهضتی بوده است که جوانان - عصر را در معرکه حیاتی از اصول تربیت معلمین یونانی - نجات داد و بمرحله آورد که پدران آنها بآن مرحله نرسیده بودند و آنرا نمیشناختند بالتبع پیروان اصول تعالیم قدیمه یونان اصل سوفسطائی را مورد انتقاد قرار داده و مذهب سفسطه را کفر و زندقه خواندند - اما حقیقت این است که تربیت « سوفسطائیان » دارای معایب و محاسنی بوده و بالاخره نظر تازه ای

در حیات بوده است که مقصود از آن: «سیر باعصر جدید و محیط جدید» بود و بهمین جهت عالی رنم معارضین خود پیشرفت نمود زیرا زمانه بآن احتیاج داشت؟

انهدت سوفسطائی در عصر خود: «تربیت جدیدی» بود ولی چون هر «جدیدی» به مرور زمان قدیم میشود، تربیت جدید

سوفسطائیانهم قدیم شد تربیت جدید دیگر هم در حدود قرن چهارده مسیحی بنام «نهضت علمیه» Renaissance پدید آمد که باز

موجد و پیروان آن منسوب بکفر شدند و گفتند که ایشان نفاقت یونا ایمان بت پرستان را بردین مسیح و ترجیح میدهند این تربیت نیز بر زعم معارضین

خود و آنهائیکه تربیت قدیمه را تائید و تربیت «رنسانس» را تقبیح میکردند پیشرفت نمود! معارضه مردم با تربیت «رنسانس» محض آن نبود که

که معایبی دارد و تربیت قدیمه بهتر از آنست بلکه برای آن بوده که همیشه توده قدیم را بسبب قدیمیت

و انس بآن دوست میدارد اما تکامل همه وقت از گلیم کهنه و قدیم پایش فراتر گذاشته میشود و بهمین سبب «رنسانس» هم

پیشرفت تا جائیکه امروز نیز بعضی از مدارس بنام «تربیت جدید» آنرا یاد میکنند بمانند خداوندان مدارس ما: *gymnasium*

در آلمان *Lycée* در فرانسه و: *The English public school* در انگلیس - از دو مثال مزبور بخوبی دریافت میشود که احتیاج

مدارس را بتطور و تکلیف مطابق محیط و امیدارد . -
 اما بالاترین امثله برای تربیت جدید - تربیت جدیدی است
 که امروز در آمریکا و بعضی بلاد اروپا پیشرفت مینماید -
 این تربیت را بعضی از نتائج جنگ بین المللی میدانند اما حق این است که
 این تربیت صدای گلوله است که از قریحه « ژان ژاک رسو » در ثلث
 اخیر قرن هیجده میلادی شایک شده ! تخم تربیت جدید ما
 در قرن هیجده کاشته شده و قرن بیستم در آن اثری ندارد
 - امروز « ژان دیوی - Jhu Dewy » استاد فلسفه تربیت در
 دار الفنون کلمبیا، زعیم تربیت جدید شمرده میشود - در
 صورتیکه از روی حقیقت بنگریم مشارالیه فقط شاگردی است از
 شاگردان : « ژان ژاک رسو » .

اینک بتشریح تربیت جدید و نظر بر فلسفه و نظامات و
 اسلوب و رویه آن میپردازیم .
 ۱ - فلسفه تربیت جدید ، تفاوت تربیت قرون وسطی با
 تربیت قرون جدید این است که نخستین انسانرا برای محیط
 زندگانی آخرت آماده میساخت و دومین جهت معیشت در این عالم .
 شاید اختلاف این دو نحوه تربیت از این جهت بود که زندگانی
 در قرون وسطی بمرارت و آلام میگذشته و انسان مالک چیزی
 نبود و بلکه مالک نفس خود هم نبود و همه بندگان و عبید

اشراف بوده اند .

واستبداد دائم هم اعصاب را سست می نماید - از طرفی نیز

تعلیم در دست : « اکلیدروس » رنگ دیانی داشته و حیات ابدیه

را نصب العین نموده بود - مردم را جهت آخرت آماده مینمود

حاجات این دنیا را مهمل و فانی می شمرد و از اینرو : تربیت

قدیمه ، دیانی صرف بوده است و لا غیر

اما امروز در تمام اقطار معموره مبادی دمکراسی منتشر شده

و بندگان آزاد شده اند (؟!)

خداوندان نفس و خانه و اراضی خود میباشند و ما مکررا

دیده ایم که قدرت و مقدرات ایشان در قلب وزارتخانه ها و

روی سریر سلاطین است - امروز زمین مخصوص اهالی آنست

و منحصرا بطبقه ارستکراتها نیست (؟ مترجم) - بدین سبب مردم محتاج

بتربیت تازه ، مدارس تازه ، با معلمان تازه و فلسفه تازه ای

هستند که انشربت بشریرا در اداره امور شخصی و منافع نفسانی

آنها هادی و راهنما باشد ؟

ملذات حیات را بایشان نشان داده و در دسترسشان قرار

دهد تا از آن استفاده نمایند ؟

بر اثر نفوذ حکومت دمکراسی و اختراعات قرن - نوزده

و بیست : مدارس مجبور شدند که رنگ دیانی خود را بصبغه

مدنی و تجاری و صناعی تغییر دهند روشن است که عصر :
بخار و اتومبیل و هواپیما - و رادیو و بی سیم و کهربا . -
محتاج به تربیتی است که غیر از تربیت زمان ساف و خرسواری است .
از روی این فلسفه است که امریکا اطفال خود را به تربیتی
و امیدارد که در هیئت اجتماعیه عضو عاملی شده و بتواند حیات
خویش را اداره نماید .

شعار تربیت در آمریکا ، همان : « واجب مدنی Citizenship » و مسئولیت

اجتماعی و استعداد جهت تحصیل معیشت در محیط دموکراسی است . -

خلاصه بیان آنکه : تربیت جدید ، انسان را بتکریم مبادی

دموکراسی رجعت میدهد و محض تطبیق این نظریه ، اهالی آنازونی :

مصلحت تربیت را بر مصالح عامه بنا نهاده اند ، امروز تعلیم

اجباری شده در صورتیکه قبلاً اختیاری بوده - تعلیم رشته خود

را بدست حکومت سپرده ، در حالتیکه بدو درید کلیسیا قرار

داده شده بود . س . س . « بقیه دارد »

